

# تبیین تاریخی اصلی‌ترین نظریه‌ها درباره پیدایش تشیع امامی

## دکتر سیدهاشم آقاچری

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

## یعقوب پناهی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

## چکیده

نقطه آغازین پیدایش تشیع از منظرهای گوناگونی بررسی و تحلیل شده است. متکلمان و علمای شیعی هرکدام نظریه‌های متفاوت و قابل تاملی را در این زمینه ارائه کرده‌اند. اما مورخان کمتر به نقد این نظریات با رویکرد خاص تاریخی رغبت نشان داده‌اند. در این پژوهش تلاش خواهیم کرد به این سوال اساسی پاسخ دهیم که پیدایش تشیع به معنای اصطلاحی آن به عنوان یک فرقه دارای نظام منسجم و در قالب جریانی سیاسی اجتماعی با مختصات خاص کلامی و فقهی از چه زمانی به صورت چارچوب‌مند مطرح بوده است؟ در یک تقسیم‌بندی ده‌گانه نظریه‌های مختلف درباره چگونگی و زمان پیدایش تشیع امامی را نقد و بررسی کرده و در انتها، دیدگاه خود را در این باره به صورت نظریه یازدهم طرح خواهیم کرد. به زعم ما تشیع امامی به یکباره شکل نگرفته، بلکه طی فرآیندی تدریجی تشکیل شده و تطور یافته است.

کلیدواژه‌ها: تشیع امامی، فرقه، پیدایش، فرآیند تدریجی.

#### مقدمه

رویکرد تاریخی به نظریات کلامی در روشن کردن زوایای تاریک و مبهم موضوعات پژوهشی اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه به دور از دخالت اعتقادات پیشاپژوهشی (یا تعلقات سیاسی- اجتماعی) به ریشه‌یابی، تعلیل و تحلیل بسیاری از عقاید متعین و رایج فعلی می‌پردازد. این رویکرد به ارائه تاریخچه و سیر تطور مفاهیم و نظریات کلامی با تکیه بر منابع و اسناد تاریخی توجه ویژه نشان می‌دهد و بدین ترتیب با کاوشی روشمند موفق به تبیین نحوه تشکیل و تکمیل مفاهیم و نظریات کلامی و نقد آن‌ها می‌شود.

بازشناسی فراگیر و دقیق رخدادهای تاریخی مربوط به هریک از فرقه‌های اسلامی و اندیشه‌های آن‌ها زمانی میسر خواهد شد که از یک‌سو مفاهیم و اصطلاحات مربوط به آن فرقه را به روشنی دریابیم و از سوی دیگر از خاستگاه تاریخی آن فرقه به‌طور کامل آگاه شویم. در بررسی بیشتر فرقه‌های اصلی اسلامی با تفاوت در اسباب نام‌گذاری، نظرات مختلف پیرامون خاستگاه و آغاز پیدایش آن‌ها و به تبع آن خلط اصطلاحات فرقه‌ای و ابهام در مفهوم برخی عناوین فرق روبه‌رو هستیم. این پدیده به‌ویژه درباره تشیع با توجه به برخورداری این گروه از تنوع جریان‌های فکری و دسته‌بندی‌ها از یک‌سو و آمیختگی گزارش‌ها و تحلیل‌ها درباره آن با حب و بغض‌های افراطی از سوی دیگر نمود بیشتری پیدا کرده است و به همین دلیل دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی و تاریخ پیدایش این جریان فکری و گسترش آن بیشتر به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که ارائه قدر متیقن برای آن بسیار مشکل است. جالب آن‌که صاحبان هریک از این دیدگاه‌ها برای خود شواهد و قراین تاریخی و احیاناً روایی ارائه کرده‌اند. از این‌رو در مواجهه با این دیدگاه‌ها چه درباره زمان پیدایش تشیع و چه درباره خاستگاه فرهنگی آن با فاصله‌ای بسیار و غیرقابل جمع روبه‌رو خواهیم شد؛ چرا که بر اساس برخی از آن‌ها تشیع برخاسته از متن فرهنگ اسلامی بوده و موضوعی جدا از اسلام نیست و بر اساس برخی دیگر زاییده تحولات سیاسی و مذهبی جامعه اسلامی و بالطبع امری عارضی است. (آقا نوری، ۱۳۸۶: ص ۱۱۸)

با این تفصیل، پرسش بنیادین ما در این پژوهش آن است که تشیع امامی به‌عنوان یک فرقه مشخص با اعتقادات ویژه سیاسی- مذهبی از چه زمانی به صورت یک جریان نظام‌مند درآمد است؟

به نظر می‌رسد برخلاف دیگر فرق شیعی که به‌صورت قائم به فرد، شخصیت‌محور و در یک مقطع زمانی خاص یا در پی حادثه‌ای تاریخی شکل گرفته‌اند، فرقه شیعه امامی در طول دو قرن

نخستین، در فرآیندی توأم با پیوستگی و آهستگی تکامل یافته است. به عبارت دیگر، گرچه می‌توان زمان پیدایش و انشعاب فرق برجسته شیعی همچون کیسانیه، زیدیه و اسماعیلیه را ظهور شخصیتی سیاسی و عملی شدن مختصات نظام فکری او در مسائل مختلف به ویژه مسئله امامت و رهبری جامعه دانست، اما در مورد فرقه شیعه اثنی‌عشری با وجود شخصیت برجسته بسیاری از امامانش و تاثیرات علمی و فرهنگی ایشان، تا زمان غیبت امام دوازدهم این فرقه به تکامل نهایی خود نرسیده است و در واقع هریک از ائمه دوازده‌گانه، در تشکیل هندسه فکری و اعتقادی این فرقه سهم بوده و در نظام‌مند شدن نهایی آن ایفای نقش کرده‌اند.

در ابتدا به سبب اهمیت برداشت‌های مختلف لغت‌شناسان، علما، متکلمان و مورخان از معانی لغوی و اصطلاحی تشیع و تاثیر این اختلاف برداشت‌ها در نظرگاه ایشان در باب پیدایش تشیع، نگاهی اجمالی بر معنای لغوی و اصطلاحی این واژه خواهیم انداخت و سپس به تشریح، بررسی و نقد نظریات یازده‌گانه در باب شکل‌گیری تشیع امامی پرداخته و در انتها صحیح‌ترین نظریه را برمی‌گزینیم. نکته اساسی که در فرآیند پژوهش جهت تبیین دقیق‌تر نظریه منتخب مورد توجه قرار گرفته است، توجه به خلط معنای اصطلاحی و لغوی تشیع در نظریات مطرح‌شده از یک سو و تفکیک ظهور سیاسی و ظهور کلامی - فقهی تشیع از سوی دیگر است؛ زیرا همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، این خطای روشی دامن بسیاری از پژوهش‌گران را گرفته است. در این پژوهش روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر شیوه گردآوری کتابخانه‌ای است که با مطالعه و فیش‌برداری منابع دسته اول و مطالعات جدید و سپس پردازش، تحلیل و تبیین آن‌ها به انجام می‌رسد.

### معنای لغوی و اصطلاحی شیعه

#### معنای لغوی

تشیع مصدر باب تفعُّل است، از ریشه «شَیْعَ» که به مشایعت و پیروی کردن جماعتی از یک شخص (نظراً یا عملاً یا به هر دو صورت) بر آن جماعت اطلاق می‌شود. شیعه در لغت معنای مختلفی همچون «فرقه، حزب، گروه پیروان، هواداران، امت، همراهان، دوستان، تقویت‌کنندگان، اشاعه‌دهندگان...» را شامل شده و از این جهت اسم عام محسوب می‌شود؛ جمع آن نیز به دو شکل شَیْع و اشیاع به کار رفته است که در صورت دوم، افاده معنای مثل و مانند نیز می‌کند. می‌توان به‌طور کلی عنوان داشت که شیعه در لغت به معنای یاری‌دادن و پیروی کردن جماعت یا فرقه‌ای از یک شخص و هم‌رأی شدن با او بر یک امر است؛ پس «شیعه الرجل» یعنی «پیروی و

یاری شخصی در یک امر واحد». (مرتضی الحسینی، بی تا: ج ۱۱، ص ۲۵۶) جالب است بدانیم که ابن منظور در لسان العرب از ازهری نقل می کند: «شیعیان کسانی هستند که از یک شخص پیروی می کنند اما لزوماً هم رأی نیستند.» (ابن منظور، بی تا: ج ۸، ص ۱۸۸)

این اسم در گذر زمان از باب تغلیب (به طور اخص) بر هر انسانی که به علی و اهل بیت او تولا داشته اطلاق می شده است. صاحب المنجد ذیل واژه شیعه بیان داشته: «شیعه (اسم) عَلَم بالغلبه است برای هر فردی که محب علی و اهل بیت اوست، به نحوی که برای این اشخاص اسم خاص شده است.» (معلوف، المنجد: ذیل شیعه) دهخدا مدعی شده که این لغت به معنای «ادعای پیروی کردن» است. (دهخدا، لغت نامه: ذیل تشیع) به زعم ولهاوزن و برخی دیگر از اندیشمندان<sup>۱</sup> واژه شیعه در صدر اسلام برای اطلاق بر احزاب کاربرد داشته؛ از این رو در منابع نخستین بارها مشاهده می شود که از «شیعه علی» در مقابل «شیعه معاویه» نام برده شده است و منابع این دو را در تقابل با هم ذکر کرده اند. (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ص ۱۳۹) معنای لغوی واژه شیعه در چند سوره قرآن نیز به کار گرفته شده است.<sup>۲</sup>

#### معنای اصطلاحی

در منابع فرقه شناختی، اشعری از شیعیان به عنوان کسانی یاد می کند که «علی را همراهی کردند و او را بر دیگر صحابه پیامبر مقدم داشتند» (اشعری، ۱۳۶۹، ص ۶۵) ابوحاتم رازی از کهن ترین فرقه نگاران، این لقب را ویژه کسانی می داند که در زمان رسول خدا با حضرت علی انس و الفتی ویژه داشتند و معتقد است این لفظ بعدها بر کسانی اطلاق شد که به برتری علی قایل شدند. (آقانوری، ۱۳۸۶: ص ۶۹ به نقل از: رازی، کتاب الزینه، ص ۲۵۹) در تعریفی جامع تر شهرستانی ملاک انتساب به شیعه را علاوه بر تعریف اشعری و رازی، اعتقاد به انتخاب امام به استناد نص (خواه جلی خواه خفی) و نیز پذیرش این اعتقاد که تصمیم گیری در مورد تعیین امام به مردم واگذاشته نشده، می داند. (شهرستانی، بی تا: ج ۱، ص ۱۴۶)

اشعری قمی و نوبختی شیعه را تنها طرفداران علی معنا کرده اند. (اشعری قمی، ۱۳۶۱: ص ۲ و ۳؛ نوبختی، بی تا: ص ۳ و ۲) اما شیخ مفید در اوائل المقالات با تعریفی دقیق تر «الشیعه» را کسانی می داند که از باب اعتقاد به ولایت و امامت بلافصل علی بعد از وفات پیامبر و نفی امامت از کسانی که در خلافت از او پیشی گرفتند، از علی پیروی کردند. (مفید، بی تا، ص ۴۲) این عالم شیعی همچنین تصریح می کند که لفظ شیعه (بدون الف و لام تعریف) به صورتی عام برای

گروهی که پیرو باشند به کار می‌رود؛ به عنوان مثال «شیعه بنی عباس» یا «شیعه بنی امیه» (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۳۴۳) که به طرفداران عباسیان یا امویان اطلاق می‌شده است.

واسطی زبیدی لغت‌شناس قرن ۱۳ه.ق در تاج‌العروس در گستره وسیع‌تر، «شیعه الرجل» را به معنای پیروان یک شخص که دارای هدفی واحد هستند عنوان کرده است. (زبیدی، بی تا: ج ۱۱، ص ۲۵۹-۲۵۶) جاحظ متکلم معتزلی قرن سوم در تعریفی شاذ و قابل تأمل تنها «کسانی که علی را بر عثمان مقدم می‌داشتند»<sup>۳</sup> شیعه می‌داند. در این تعریف حتی کسانی چون اصل بن عطا نیز شیعه محسوب می‌شوند. این عالم عقل‌گرا ضمن کم‌اهمیت جلوه دادن ماجرای کلیدی سقیفه به راحتی از آن عبور می‌کند و صرفاً تقدم علی بر عثمان را مبنای تفرق فرق شیعی از پیکره اسلام قرار می‌دهد. نجاشی نیز شیعه را کسانی می‌داند که «وقتی درباره سخنان رسول خدا بین‌شان اختلاف ایجاد می‌شد به سخنان علی رجوع می‌کردند و هنگامی که در سخنان علی به اختلاف برمی‌خوردند به قول جعفر صادق تمسک می‌جستند.» (النجاشی، ۱۴۰۸: ص ۱۲، )

ابن حزم اندلسی نیز شیعیان را «معتقدان به افضلیت علی و فرزندانش برای امامت» می‌داند؛ هر چند (به زعم او) «شاید (فرد شیعی) در امور اختلافی بین مسلمانان، با اعتقادات خاص شیعیان موافق نباشد» (ابن حزم اندلسی، بی تا: ج ۲، ص ۲۷۰) لذا او ملاک تشیع را تنها افضلیت دادن و ترجیح علی بر دیگران قلمداد می‌کند. پاتریشیا کرون از مستشرقان معاصر نیز اعتقاد به برتری شخصیت‌ها در تشیع را با تعصب‌های جاهلی پیوند داده و معتقد است این روحیه برتری‌جویی در بین رهبران فرق شیعی و پیروان آن‌ها وجود داشته و حتی در بین ایشان خون و تبار ملاک شایستگی، اهلیت و افضلیت به‌شمار می‌رفته است؛ البته کرون این مسئله را تقبیح نکرده و آن را در دوره‌های تاریخی گذشته در همه جوامع امری عادی پنداشته است. (کرون، ۱۳۸۹: سراسر فصل هفتم) ابن‌خلدون نیز در تعریف شیعه آورده است: «شیعه در لغت به معنای پیروان و طرفداران است و در اصطلاح فقهیان و متکلمان متقدم و متأخر بر پیروان علی و فرزندان او اطلاق می‌شود.» (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: فصل ۲۷، ص ۱۹۶)

بدیهی است که این واژه در سیر تاریخ اسلام قبض و بسط معنایی فراوانی به خود دیده و هر چند گستره مفهومی آن در برهه‌ای از زمان میان فرق اسلامی وسیع‌تر شده است، اما متقابلاً گاهی نیز دچار ضیق معنایی شده و اهمیت و جایگاهش در میان برخی فرق تنزل یافته است. در مجموع با توجه به این تعاریف و برخی تعاریف دیگر که برای اجتناب از اطاله کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم می‌توان گفت هیچ یک از تعاریف یاد شده به تنهایی بر همه مصادیق و

گونه‌های فرقه‌ای شیعه به‌طور جامع و مانع منطبق نیست چرا که بدیهی است صرف اعتقاد به برتری امام بر دیگر اصحاب پیامبر ملازم با پذیرش شایستگی آن حضرت برای امامت نخواهد بود و در مقابل شایستگی آن حضرت به امامت نیز ملازم با پذیرش حقوق منصوص و الهی امام علی برای چنین مقامی نمی‌باشد. که این تفکیک چندان مورد توجه قرار نگرفته است. شاید بتوان از مجموعه این تعاریف وجه مشترکی برای تمایز اعتقادی گونه‌های شیعی از غیرشیعی جست‌وجو کرده و صرفاً بگوییم: فصل مشترک همه این تعاریف در افضلیت علی بر دیگران و تقدم آن حضرت برای امامت و خلافت (چه به واسطه شایستگی شخصی چه به واسطه تصریح یا اشاره پیامبر) خلاصه می‌شود.

### تاریخ پیدایش تشیع و انشعاب آن

هر چند بحث پیدایش و تطور تشیع بسیار پیچیده و مبهم به‌نظر می‌آید، اما در مجموع برای پیدایش تشیع می‌توان دو گونه ظهور کلامی - فقهی (یا به تعبیری اعتقادی) و ظهور سیاسی را از هم تفکیک کرد. چرا که با این تحلیل، رفع تعارض بین گزارش‌های موجود در مورد زمان پیدایش تشیع تا اندازه‌ای قابل حصول است. کسانی همچون عبدالله فیاض در تاریخ‌الامامیه پیشگام طرح این تقسیم‌بندی به حساب می‌آیند و برخی از محققان معاصر نیز قائل به آن هستند. ما نیز به جهت اتقان علمی و دقت پژوهشی، همین تقسیم را مبنا قرار داده و بر اساس آن پژوهش خود را پی می‌گیریم.<sup>۴</sup>

### ظهور کلامی فقهی تشیع

در خصوص پیدایش و تطور کلامی فقهی یا اعتقادی تشیع دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که به اختصار به بیان هریک از آن‌ها در ادامه می‌پردازیم:

#### ۱. ظهور تشیع در دوره پیامبر (ص)

عده‌ای با استناد به برخی احادیث نظریه‌ای را طرح می‌کنند که در محافل و منابع شیعی نیز به سختی از آن طرف‌داری می‌شود. این نظر تولد تشیع را مربوط به دوره حیات پیامبر می‌داند و معتقد است در همان دوران از لسان پیامبر بر عده‌ای از اصحاب علی «شیعه علی» اطلاق می‌شده است. این عقیده که به زعم بسیاری، بزرگانی چون نوبختی، اشعری قمی و ابوحاتم رازی نیز بدان

اشعار دارند، (نوبختی، همان: صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ اشعری قمی، همان: ص ۱۵؛ مشکور، ۱۳۸۶: ص ۴۲) در منابع متأخر شیعی با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است. البته جالب است بدانیم با نگاهی کلی و گذارا به پیشینه دیگر فرق اسلامی این نکته اساسی بر ما روشن خواهد شد که گویی هر یک از فرقه‌های بزرگ اسلامی برای اثبات اصالت مذهب‌شان ریشه‌های پیدایش خود را در زمان رسول خدا جست‌وجو می‌کنند.

سید محسن امین عاملی در اعیان‌الشیعه به صراحت عقیده به برتری علی و موالات او را که درون‌مایه اعتقادات تشیع است، در میان برخی صحابه حضرت رسول جاری و ساری می‌داند. (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۹) کسانی دیگر چون کاشف‌الغطاء، مظفر، صدر و معروف حسنی (آل کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۴ق: ص ۱۸۴؛ مظفر، ۱۹۸۵: ص ۸؛ صدر، ۱۴۱۴: ص ۵۹؛ معروف حسنی، ۱۳۶۹: صص ۶۳-۵۴ و همو، تاریخ‌الفرقه‌الجعفری: ص ۵. منبع پیش‌گفته به نقل از آقائوری، همان: ص ۱۱۹) نیز ظهور تشیع را در دوره پیامبر می‌دانند. کاشف‌الغطاء با بیانی زیبا باغبان باغ آیین اسلام را نخستین کسی می‌داند که بذر تشیع را در مزرع اسلام افشاند (آل کاشف‌الغطاء، همان: ص ۱۸۴) و گواه این امر را احادیث منقول از زبان صاحب شریعت و نه در منابع شیعی بلکه در منابع اهل سنت می‌داند. همچنین طرفداران این نظریه به احادیثی استناد می‌کنند که در آن‌ها از شیعه علی سخن به میان آمده و به آنان مژده‌هایی داده شده، یا این‌که از افرادی چون ابوذر، سلمان، مقداد، عمار و... به‌عنوان شیعه یاد شده است.<sup>۵</sup> در تحقیقات معاصر نیز برخی غیرشیعیان همچون محمد کرد علی از این نظریه سخن به میان آورده و تصریح کرده‌اند در میان صحابه پیامبر برخی طرفدار و شیعه علی بودند. (صابری، ۱۳۸۹: ص ۲۰ به نقل از: علی، خطط‌الشام، ج ۵: ص ۲۵۱) در مجموع به نظر می‌رسد در گزارش‌هایی که مرور شد منظور از شیعه مفهوم لغوی آن یعنی «پیرو» بوده است که صرفاً هم‌رأی بودن و نزدیکی فکری و عملی به شخص متبوع را به ذهن متبادر می‌کند؛ نه اصطلاح تشیع را که دارای بار معنایی گسترده و عمیقی است. به واقع می‌توان ابراز داشت که کاربرد شیعه در احادیث نبوی همانند کاربرد این لفظ در قرآن معنای لغوی را به ذهن متبادر می‌کند؛ لذا نمی‌تواند به‌عنوان دلالت معنایی برای تاریخ پیدایش شیعه در مفهوم اصطلاحی آن به کار گرفته شود. در حقیقت این دسته از روایات را چه ناظر به یک قضیه خارجی بشماریم و مصداق آن را افراد حاضر در زمان پیامبر تلقی کنیم و چه ناظر به یک قضیه حقیقیه بدانیم، قدر متیقن آن را می‌توان حمل بر معنای لغوی کرد؛ به این معنی که مراد پیامبر از شیعه علی پیروان

واقعی راه و رسم آن امام در سلوک اخلاقی و اجتماعی به ویژه الگوپذیری از آن حضرت در برابر آموزه‌های پیامبر و اسلام بوده است. با وجود این بسیاری از نویسندگان با احتجاج به مستندات روایی و بعضاً تاریخی، تشیع را مولود طبیعی اسلام و نمایانگر اندیشه‌ای می‌دانند که دعوت اسلامی توسط رسول‌الله (برای رسیدن به کمال مطلوب و سعادت جاودان بشر) از بیان آن ناگزیر بوده است. این عده با یقین کامل تشیع را برآمده از دل سخنان پیامبر می‌دانند. کوتاه سخن آن‌که چندان نمی‌توان با مبنای علمی و پژوهشی این نظریه را به اثبات رساند و حتی به لحاظ منطقی نیز شاید عقل از پذیرش آن امتناع ورزد؛ چرا که در این بحث خلط محتوایی «لغت تشیع» از یک سو و «اصطلاح تشیع» از سوی دیگر مشهود است، از این رو قابل اعتنا نیست. تنها استفاده غیرقابل خدشه از این روایات آن است که بذره‌های نخستین و عنصر قوام‌بخش تفکر شیعی که همان پیروی از راه و رسم علی است مورد گواهی بنیان‌گذار اسلام قرار گرفته است. (آقانوری، همان: ص ۱۲۳)

## ۲. سقیفه، سرآغاز تشیع

نظریه دوم بر آن است که تشیع بعد از وفات پیامبر و به تبع ماجرای سقیفه شکل گرفت. اعلام حمایت گروهی از اصحاب برجسته پیامبر در ماجرای سقیفه از شایستگی امام علی برای خلافت و جانشینی پیامبر، دلیل اصلی معتقدان به این دیدگاه است. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ص ۳۳) علی‌رغم این‌که برخی پژوهش‌گران نوبختی را از معتقدان به نظریه اول قلمداد می‌کنند، اما به زعم بسیاری وی سرآمد قائلان به نظریه دوم است و صراحتاً امت پیامبر را بعد از وفات آن پیام‌آور رحمت به سه دسته تقسیم کرده و اولین آن‌ها را شیعیانی معرفی می‌کند که طرفدار علی بودند. (نوبختی، همان، ص ۳) در چند مستند تاریخی نیز به موضوع سه دسته شدن امت و طرفداری هر دسته از شخصی خاص اشاره شده است. یعقوبی گزارش می‌دهد که گروهی از مهاجرین و انصار از بیعت با ابوبکر امتناع کرده و به علی تمایل پیدا کردند که از آن جمله‌اند: عباس بن عبدالمطلب، زبیر بن عوام، خالد بن سعید، مقداد بن عمرو، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، براء بن عازب و ابن ابی کعب. (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۱۲۴) حمایت این دسته از اصحاب و حتی شمشیرکشی برخی از آنان توسط غالب منابع کهن تاریخی شیعی و سنی گزارش شده است. به‌عنوان مثال مقدسی، ابن‌کثیر، طبری و ابن جوزی به اخباری با همین مضمون اشاره کرده‌اند. (مقدسی، بی تا: ج ۵، ص ۶۵؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۴۶؛ طبری، بی تا: ج ۳، ص ۲۴۱؛ ابن



جوزی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۶۷؛ حسن ابراهیم حسن، ۱۳۸۸: ص ۲۰۵) طبری و ابن اثیر نقل کرده‌اند که انصار یا جمعی از آنان در سقیفه گفتند: ما جز با علی با کسی بیعت نمی‌کنیم. (طبری، همان: ج ۳، ص ۲۰۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۲۵) وائلی نیز در هویه‌الشیعیه بیان می‌دارد: «اگر نگویم همه محققان و مورخان، دست‌کم اکثرشان ظهور تشیع را در روز سقیفه و پس از رحلت رسول خدا پذیرفته‌اند.» (وائلی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۲۵) در میان متقدمان ابن خلدون و در تحقیقات معاصر احمد امین، حسن ابراهیم حسن، برنارد لوئیس و گلدزیهر از طرفداران این نظریه به حساب می‌آیند. (صابری، همان: ص ۲۱ به نقل از عرفان عبدالحمید، دراسات فی الفرق و العقائد الاسلامیه: ص ۱۵؛ ابن خلدون، همان: ص ۹۶؛ امین، فجرالاسلام، ۱۳۸۰: ص ۲۲۶؛ همو، ضحی الاسلام، ۱۹۵۶ ج ۳، ص ۲۰۹؛ لوئیس، ۱۳۶۲: ص ۲۹؛ گلدزیهر، بی تا: ص ۱۷۴)

مرزبندی نسبی گروه‌های مختلف مسلمانان به‌ویژه ناراضیان از انتخاب ابوبکر بعد از ماجرای سقیفه امری غیرقابل انکار است اما این‌که آیا این دسته‌بندی مبنای تفرق فرق اسلامی در قرون بعدی واقع شد یا خیر، خود سوال بسیار بزرگ و اساسی است که مقالی مجزا و پژوهشی مستدل را می‌طلبد. سوال بسیار مهم دیگری که در این موضوع قابل طرح است و به شدت ذهن را به تفکر و تامل وامی‌دارد مسئله کمک نظری و عملی حضرت امیر و اصحاب ایشان به خلفا و همکاری با آنان در زمینه‌های مختلف است. بر اهل فن پوشیده نیست حضرت ضمن حفظ اتحاد خود با خلفا در مواردی به انتقاد از ایشان نیز می‌پرداخت و کجی‌ها و اشتباهات را گوشزد می‌کرد.

در این میان بسیاری از فرق دیگر نیز مبدأ انشعاب خود را از بدنه عمومی مسلمانان به سقیفه برمی‌گردانند اما به نظر در مورد تشیع امامی پیروی از حضرت امیر به معنای دوستی، همراهی و اعتقاد به علی در جانشینی پیامبر بوده و در واقع هم‌عرض دیگر نظریات جانشینی قابل طرح است. از این رو دلیلی مستحکم و مستدل بر پیدایش یک فرقه نمی‌تواند باشد. زمینه‌های گرایش عده‌ای از اصحاب به علی به واسطه سفارش پیامبر قابل انکار نیست و نمی‌توان صرفاً با انگیزه اعتقاد به شایستگی شخصی و ویژگی‌های فردی یا نسبت علی با پیامبر بدون توجه به زمینه‌سازی‌های قبلی شخص حضرت رسول این گرایش را تبیین کرد؛ چرا که این قبیل ویژگی‌ها کم و بیش در دیگر اصحاب نیز وجود داشت. اما با توجه به همکاری حضرت با خلفا و ملاحظات سیاسی و اخلاقی ایشان به‌ویژه دغدغه‌هایی که در بحث وحدت داشتند و نیز ضعف شواهد دینی و نص صریح پیامبر در باب جانشینی حضرت امیر، همچنین سخنانی نظیر این سخن که: «در خلافت ابوبکر و عمر کسی با نام شیعی شناخته نشده و این واژه به هیچ کس اضافه

نمی‌شد» می‌توان بیان داشت در اینجا نزاع بر سر یک لفظ و کلمه نیست بلکه نزاع اصلی بر سر وجود و عدم وجود یک جریان فکری و سیاسی بدون توجه به کمیت یا بروز اجتماعی آن است. با این تفصیلات نمی‌توان وجود یک جریان ضعیف فکری را انکار کرد اما آیا این مترادف وجود یک جریان سیاسی مذهبی منسجم و نظامند است یا صرفاً جرعه‌های نخستین (سیاسی) آن را نوید می‌دهد؟!

### ۳. تشیع علوی، تشیع عثمانی

نظریه سوم ظهور شیعه را به عصر عثمان یا پس از آن برمی‌گرداند و معتقد است در این دوره بود که تشیع به معنای عام آن رخ نمود و مردم به دو دسته علوی و عثمانی تقسیم شدند. (ولهاوزن، همان: ص ۱۳۹؛ ابن حزم، همان: ج ۲، ص ۲۷۳) و اکثر مسلمانان آن‌چنان که از گزارش جنگ‌ها برمی‌آید همراهی علی را برگزیدند؛ با وجود این‌که همه آن‌ها از منظر اعتقادی واحد و هم‌عقیده نبودند. (حسینی، ۱۳۷۱: ص ۱۱)

این نظریه معتقد است بعد از سرازیر شدن قاتلان عثمان به سوی خانه علی و انتخاب او به عنوان خلیفه، آن عده که هواخواه علی شدند هسته اولیه تشیع را بنا نهادند؛ یعنی گروهی که به حمایت علی برخاسته و بر سزامندی عثمان به قتل پا فشردند، شیعه نام گرفتند. البته بودند کسانی که پیش از این از ارادتمندان علی محسوب می‌شدند که این دسته از شیعیان نیز بعد از این ماجرا به جمع کثیر بیعت‌کنندگان با علی پیوستند و تا پایان سده نخست هجری با همین اعتقاد مسیر تطور خود را پیمودند. در این میان برخی از محققان ظهور تفکر شیعی در این عصر را با نقش عبدالله بن سبا که به زعم ایشان یهودی‌الاصل و متأثر از فرهنگی یهودی بود پیوند داده‌اند و در نتیجه بستر شکل‌گیری تشیع را خارج از قلمرو فرهنگ اسلامی جست‌وجو کرده‌اند. که البته این مسئله چندان با مستندات تاریخی سازگار نیست و از این رو بررسی آن را فعلاً فرومی‌گذاریم.

در آخر باید توجه داشت گروه‌های طرفدار علی پس از قتل عثمان بیشتر گروه‌هایی سیاسی بودند و نه اعتقادی. لذا باید در فهم این مطلب مانع از خلط مفهومی شویم و معنای عام تشیع را (که بیشتر به تشیع سیاسی نزدیک است) با معنای خاص آن (که با تشیع کلامی فقهی یا اعتقادی قرابت معنایی بیشتری دارد) یکی نپنداریم؛ که این برداشت چندان پذیرفتنی نیست. پس این رویداد تاریخی نیز نمی‌توان اولاً و بالذات نقطه کانونی و اصلی برای شکل‌گیری تشیع قلمداد شود.

#### ۴. شیعه از زبان امام علی (ع)

گروهی معتقدند شیعه در زمان خلافت حضرت امیر به وجود آمد. ابن‌ندیم صاحب الفهرست از معتقدان به این نظریه است و بیان می‌دارد که «حضرت امیر لقب شیعه را هنگام خروجش برای جنگ با طلحه و زبیر، بر یاران خود نهاد و فرمود «شیعی» و آنان را به چهار طبقه الاصفیاء، الاولیاء، شرطه الخمیس و الاصحاب تقسیم کرد» (ابن‌ندیم، ۱۳۸۲: ص ۲۶۳) که به نظر در این‌جا نیز شیعه به معنای «همراهان، یاران و پیروان» به کار گرفته شده است. در این صورت مقصود آن حضرت معنای لغوی این واژه بوده است، نه معنای اصطلاحی آن. با توجه به مستندات تاریخی بعید به نظر می‌رسد در عصر حضرت امیر کلامی - فقهی عمیقی میان گروه‌های مختلف مسلمانان رخ داده باشد.

#### ۵. ظهور تشیع، مقارن با خروج خوارج

دسته‌ای از نویسندگان زمان پیدایش اصطلاح شیعه را پس از جنگ صفین و مقارن با خروج خوارج می‌دانند و معتقدند کسانی که به علی وفادار ماندند، شیعه نام گرفتند. آن‌ها به علی گفتند: «ما با دشمن تو دشمن هستیم و هر کس را که دوست تو باشد دوست می‌داریم» (صدر، ۱۴۱۴: ص ۵۸) و این بدان معناست که آماده پذیرش سخنان علی بی هیچ قید و شرطی بوده‌اند. مستندات تاریخی این نظریه در تاریخ الامم و الملوک طبری و الکامل ابن‌اثیر قابل دسترسی است. همچنین در گزارش‌های برخی منابع از جنگ صفین، گروهی از اصحاب خاص<sup>۶</sup> (یعقوبی، همان: ج ۲، ص ۲۳۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۵۵) حضرت امیر، شیعه ایشان نامیده شده‌اند. (ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ص ۸۶) در میان معاصران نیز مونتگمری وات از طرفداران این نظریه است و معتقد است آغاز جنبش تشیع در یکی از روزهای سال ۳۷ بوده است و گروهی از اصحاب آن حضرت، برای پذیرش کامل سخنان علی اعلام آمادگی کردند. (فیاض، ۱۴۰۶: ص ۳۷ به نقل از: Watt, W, M., *Islam and the integration of society*, London, 1976, p104) برخی از تحلیل‌گران این نظریه معتقدند تشیع مکتبی است که حاصل بازتاب افکار خوارج در تعیین امام بود. خوارج معتقد به عدم لزوم تعیین امام از طرف خدا و همچنین عدم اختصاص امامت به گروهی خاص از مسلمانان بودند و آن را امری عمومی تلقی می‌کردند این عالمان معتقدند در مقابل طرز تفکر خوارج، شیعه رخ عیان کرد و به دفاع از امامت منصوص علی پرداخت و در مقابل تکفیر علی توسط خوارج به تنزیه او همت گماشت. (حسنی، همان: ص ۱۰) حتی برخی نظر تشیع امامی را در

باب امامت متأثر از دیدگاه‌های خوارج دانسته‌اند. (آقانوری، همان: ص ۱۳۱ به نقل از: صبحی، نظریه الامامیه، ص ۴۱) که البته باید گفت نمی‌توان در تحلیل عوامل پیدایش فرق و عقاید ایشان به دنبال حوادث جزئی رفت و یک روز مشخص یا حادثه‌ای معین را علت‌العلل یک افتراق سیاسی یا فقهی کلامی گسترده قلمداد کرد، از این‌روست که مستندات روایی و تاریخی نیز تایید کننده این تحلیل نیستند. علاوه بر این خود جریان خوارج نیز یک فرآیند تاریخی و دارای مراحل مختلف بوده است؛ بنابراین نباید باورهای خوارج پسینی را به خوارج پیشینی (حروریه) نسبت یا تعمیم داد. همان‌طور که می‌دانیم برای حروریه مسأله اصلی حاکمیت بوده است.

#### ۶. تشیع، بازتاب اندیشه‌های عبدالله بن سبأ

پیدایش شیعه پس از شهادت امام علی، ششمین نظریه‌ای است که می‌توان برای شکل‌گیری تشیع برشمرد. این نظریه در منابع متأخر به طه حسین نسبت داده شده است. (صابری، همان: ج ۲، پانوشت ص ۲۳) در منابع کهن فرقه‌شناختی هنگام بحث از فرقه سبئیه به‌عنوان نخستین گروه شیعی، تا حدودی رگه‌های این نظریه قابل مشاهده است. به عنوان مثال بغدادی از سبئیه به‌عنوان یکی از نخستین فرقه‌های شیعه یاد می‌کند که در دوره حضرت امیر ظهور کرده و حضرت با مشاهده بدعت‌های آنان (که علی را خدا می‌پنداشتند) شماری از آن‌ها را در آتش سوزاند. (بغدادی، بی‌تا: ص ۲۱ و ۲۳۳؛ مدرسی، ۱۳۸۹، ص ۵۹) هرچند از منظر تاریخی این روایت‌ها بسیار محل تردید و تأمل هستند، اما اصل اخبار شکل‌گیری فرقه‌ای با این اعتقادات شاذ و منحصر به فرد، تحقیق دقیق‌تر و جامع‌تری را می‌طلبد که خارج از بحث ماست. ملطی نیز چهار فرقه نخست سبئیه را به شیعه منتسب می‌کند و می‌گوید: «سبئیه می‌گفتند علی نه مرده است و نه مرگ بر او رواست، بلکه او زنده‌ای است که نمی‌میرد.» (ملطی شافعی، ۱۳۸۸: ص ۱۸ و ۱۹) جالب است که شهرستانی، فرقه‌شناس پرآوازه اسلام هم ضمن یاد کردن از ابن‌سبأ می‌گوید او نخستین کسی است که به امامت منصوص علی معتقد شد و دیگر فرقه‌های غالی اعتقادشان را از او وام گرفته‌اند. (شهرستانی، همان: ج ۱، ص ۱۷۴) او همچنین اولین مدعی زنده بودن علی پس از مرگ را ابن‌سبأ می‌داند. تحقیقات معاصر نیز این گزارش منابع فرقه‌شناسی (به‌ویژه از جانب اهل سنت) در مورد ابن‌سبأ، یهودی خواندن این شخصیت و نسبت دادن اعتقادات او به عقاید تشیع را مورد توجه قرار داده‌اند و در حالی که برخی از آنان به دفاع از این نظریه پرداخته‌اند، برخی نیز به کلی منکر آن شده و آن را افسانه دانسته‌اند. در برخی موارد نیز یهودی بودن ابن‌سبأ را رد کرده‌اند. (بدوی، ۱۳۸۹:

ج ۲، ص ۴۶-۱۹؛ بیضون، ابراهیم، عبدالله بن سبا؛ معلم، محمد علی، عبدالله بن سبا حقیقتها المجهوله؛ حسینی بغدادی، عبدالله بن سبا واقعتی ناشناخته؛ برای آگاهی از نظر مستشرقین معاصر نک: صابری، همان: ج ۲، پانوشت ص ۲۴) دارندگان این نظریه درصدد جستجوی خاستگاه یهودی برای تشیع برآمده‌اند و بر آن هستند که اصول و مبانی فکری شیعه در باب جایگاه و مقام امام علی که همان اعتقاد به وجود نص و وصیت بر امامت و خلافت حضرت است و نیز بیزاری از خلفای نخستین و اعتقاد به رجعت، از مخترعات مستقیم ابن‌سبا بوده است آن‌ها معقدند با این تفصیل می‌توان گفت معتقدات شیعی و امدار اندیشه‌های یهودی است. برخی حتی ابوذر غفاری را نیز پیرو ابن‌سبا دانسته‌اند. (ابراهیم حسن، همان: ص ۳۵۸) سامی نشار پژوهشگر برجسته مصری طرح عصمت و قداست و وصایت علی را به این یهودی نسبت داده و حتی برتری و شایستگی علی برای خلافت را که در سقیفه مطرح شد ساخته و پرداخته ابن‌سبا می‌داند. گزارش‌هایی از طبری، اشعری قمی و حتی نوبختی از وجود شخصیتی به نام ابن‌سبا و فرقه‌ای به نام سبایه خبر می‌دهد و اعتقادات خاص او که برخی از آن‌ها بیان شد را مورد تاکید قرار می‌دهد.

بر اهل فن پوشیده نیست که با توجه به گزارش‌های متناقض در متناقض از ابن‌سبا و اعتقادات او، نسبت دادن عقاید اساسی تشیع به این شخص یهودی تبار و او را تنها عامل انشقاق فرقه تشیع از بدنه عمومی مسلمانان پنداشتن، چندان نمی‌تواند علمی، مستدل و معتبر باشد و تا حدی نشان از آمیختگی تحلیل‌های این‌چنینی با حب و بغض‌های عقیدتی و سیاسی صاحبان آن دارد. این موضوع را می‌توان از گزارش‌های جهت‌دار این پژوهش‌گران و گزینش دلخواه اخبار صدر اسلام توسط ایشان به‌راحتی فهم کرد این محققان حتی زحمت مشاهده تحلیل‌های دیگر نویسندگان را هم به خود نداده‌اند.

می‌توان گفت گزارش‌های شکل‌گیری تشیع پس از دوران خلافت حضرت امیر صرفاً نشان از یک انسجام در همراهی فکری و عملی برای پیروی از راه و روش حضرت امیر در میان ارادت‌مندان ایشان دارد و هنوز در مباحث کلامی و فقهی در میان عامه مسلمانان (که اساس شکل‌گیری یک نظام عقیدتی است) افتراق جدی‌ای به وقوع نپیوسته است و اختلافات بیشتر در مباحث سیاسی و راه و روش فردی و نوع تعبد و سبک زندگی اجتماعی خلاصه می‌شود. لذا این مرحله هرچند می‌تواند نقطه عطفی جهت تمایز راه و روش پیروان حضرت امیر از بدنه عمومی مسلمانان باشد اما نمی‌توان آن را نقطه عطف تاریخی در پیدایش تشیع امامی قلمداد کرد. از این روست که حتی برخی از اسلام‌شناسان و اندیشمندان معاصر انشعاب شیعه از پیکر اصلی مسلمانان

اهل سنت را به دشمنی میان حضرت امیر و بنی امیه در دوران خلافت ایشان نسبت داده‌اند. (لمبتون، ۱۳۸۹: ص ۵۳۲)

#### ۷. تشکیل تشیع پس از شهادت امام حسن (ع)

یکی از نویسندگان معاصر نیز با ارائه سندی تاریخی معتقد است واژه شیعه در مفهوم اصطلاحی آن برای نخستین بار بعد از شهادت امام حسن به کار رفته است. (جعفریان، ۱۳۸۸: ص ۲۶) او نامه تسلیت شیعیان کوفه به امام حسین به مناسبت شهادت امام حسن را به عنوان سندی برای اثبات مدعای خود ذکر می‌کند. در قسمتی از متن این نامه که در منابع گزارش شده، آمده است: «... از شیعه حسین بن علی و پدرش علی به حسین بن علی، سلام بر تو... خبر وفات حسن بن علی به ما رسید... انا لله و انا الیه راجعون. برای تو و این امت، مصیبتی از این بالاتر نیست که فرزند وصی و دختر نبی رحلت کند.» (یعقوبی، همان: ج ۲، ص ۲۸۸) به نظر می‌سد مراد از واژه شیعه در این نامه بیشتر نوعی همراهی و پیروی بوده است و با توجه به محتوای نامه که نشان از حب وافر نگارندگان آن به اهل بیت دارد، قطعاً نمی‌توان وجود گروه‌هایی از مردم که به لحاظ عملی و راه و روش زندگی در این دوران پیرو اهل بیت رسول الله بوده‌اند را منکر شد. اما اینکه این گروه‌ها را به مثابه یک جریان منسجم و دارای چارچوب‌های کلامی فقهی و حتی سیاسی خاص بدانیم چندان نمی‌تواند با مستندات تاریخی قابل اثبات باشد. جالب آن‌جاست بدانیم حتی خود امام حسین نیز در روز عاشورا واژه شیعه را به صورت لغتی عام به کار برده و از شیعه آل ابی سفیان یاد کرده است: «یا شیعه آل ابی سفیان إن لم یکن لکم دین، وکنتم لا تخافون المعاد، فکونوا أحراراً فی دنیاکم...» (ابن طائوس، ۱۳۸۳: ص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ اخطب خوارزم، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵، ص ۵۱) همچنین مواردی مانند آزار نرساندن معاویه به پیروان (شیعیان) امام حسن (اصفهانی، بی تا: ص ۶۷) در جریان صلح آن حضرت - که یکی از مفاد صلح‌نامه بوده است - نیز از این دسته‌اند و به نظر در این گزارشها معنای لغوی واژه شیعه مدنظر بوده است، از این رو کاربرد واژه شیعه در آن‌ها نمی‌تواند پوشش‌دهنده معنای اصطلاحی واژه تشیع - فرقه‌ای تکامل یافته با جوانب مختلف سیاسی و کلامی فقهی - باشد.

## ۸. تولد تشیع در روز دهم محرم

عده‌ای از عالمان اسلامی به‌ویژه در دوران معاصر، واقعه کربلا و شهادت امام حسین را عامل اتحاد شیعیان متفرق در قالب یک نهضت مشخص، با اهداف و اعتقادات ویژه دانسته‌اند. اینان عاشورا را نقطه‌ای بنیادین در شکل‌گیری تشیع قلمداد کرده‌اند. (حسنی، همان: ص ۱۱) از دیدگاه مصطفی شبیی «هر چند ریشه‌های تشیع و گرایش‌های شیعی به دوران پیامبر باز می‌گردد، اما ظهور تشیع به‌عنوان فرقه‌ای مشخص به‌گونه‌ای که اصطلاح شیعه، انحصاراً بر آن دلالت کند، پس از حادثه عاشورا و هم‌زمان با شکل‌گیری حرکت توأبیین در سال ۶۱ ه.ق صورت گرفته است.» (صابری، همان: ص ۲۴) سامی‌النشار از طرفداران سرسخت این نظریه است که با استناد به منابع تاریخی و کلامی هرگونه شکل‌گیری تشیع به‌عنوان یک فرقه، قبل از واقعه عاشورا را رد کرده و معتقد است تا سال ۶۱ ه.ق لفظ «شیعه» به معنای مطلق طرفدار به کار می‌رفته است، چنان‌که طرفداران معاویه را نیز شیعه معاویه خوانده‌اند و طرفداران علی را شیعه علی. نشار سپس اظهار می‌دارد که «شیعه، تحقیقاً پس از کشته شدن امام حسین به‌عنوان یک فرقه دینی شکل گرفت و به تدبیر امور پرداخت.» (صابری، همان: ص ۲۵ به نقل از: نشار، علی سامی، نشاء الفکر الاسلامی فی الاسلام، ج ۲، ص ۲۱) او در ادامه از جنبش توأبیین به‌عنوان نخستین خونخواهان امام حسین سخن به میان آورده و نوشته است شیعه حسینیه به دست مختار آشکار شد و این همان شیعه‌ای است که به محمد بن علی بن ابی‌طالب مشهور به حنفیه نسبت داده شده است. مردم در کوفه به واسطه او گرد مختار جمع شدند و او قاتلان امام حسین را کشت و خود نیز سرانجام کشته شد.

برخی از شرق‌شناسان همچون فیلیپ حتی نیز جمله‌ای بدین مضمون نقل کرده‌اند: «تشیع در روز دهم محرم تولد یافت.» (حتی، بی‌تا: ص ۲۴۸) سید محمدحسین جعفری، نویسنده کتاب تشیع در مسیر تاریخ با نقد این نظریات بیان می‌دارد: «این گروه پدید آمدن تشیع را با ظهور دوره‌ای نو برای نهضت شیعی که تاثیر شگرف در حرکت شیعیان برجای گذاشت، اشتباه گرفته‌اند.» (جعفری، ۱۳۸۸: ص ۲۶۱) جعفری معتقد است تشکیل تشیع به صدر اسلام بازمی‌گردد و این مرحله در واقع دمیدن روحی تازه و بسیار تاثیرگذار در کالبد تشیع بوده است. در جمع‌بندی این نظرات می‌توان گفت بی‌شک واقعه کربلا نقطه عطفی تاریخی برای انسجام دورنی و عاطفی پیروان اهل‌بیت بوده است و نقش بی‌بدیلی در تمایز گروه‌های شیعی از دیگر فرقه‌های اسلامی بعد از آن تاریخ ایفا کرده است، اما به لحاظ تمایز عقیدتی و شکل‌گیری عقاید خاص کلامی فقهی این واقعه چندان عامل اساسی محسوب نمی‌شود و صرفاً می‌تواند کانونی اساسی برای اتحاد بیشتر و نزدیکی بیشتر

گروه‌های شیعی به یکدیگر تلقی شود. سخنان حضرت حسین درباره شیعه آل ابی‌سفیان در روز عاشورا که پیش از این بیان شد نیز می‌تواند دلیلی بر نبود تفاوت عمیق عقیدتی و کلامی فقهی در میان گروه‌های مسلمانان در آن دوره باشد.

## ۹. ایرانی‌گری و تشیع

برخی نویسندگان ظهور شیعه را به‌نوعی با ایران و ایرانیان مرتبط دانسته و ادعا می‌کنند: «ایرانی‌ها برای انتقام از اعراب و در اثر کینه‌ای که از خلیفه دوم به‌جهت فتح ایران و نابودی تاج و تخت کسرها، آتش پرستی و مجوسیت داشتند، کوشیدند مجوسیت را بار دیگر در لباس اهل‌بیت و تشیع زنده کنند. از آن‌رو شیعه را به وجود آوردند.» (خضری و همکاران، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۷ به نقل از راه دشوار مذهب به مذهب، حسینی مراکشی، ادریس: ج ۱، ص ۳۵) البته کسانی چون استاد مطهری و طه حسین به نقد این نظریات پرداخته‌اند. (مطهری، ج ۱۴ مجموعه آثار، ص ۱۱۹؛ امین، ۱۳۸۰: ص ۲۷۷) طه حسین معتقد است پیروی از علی به معنای ساده آن، آن‌گونه که منابع می‌گویند پیش از اسلام آوردن ایرانیان بوده است. در این تحلیل‌ها که از جانب برخی مستشرقان و نویسندگان اهل سنت ارائه شده، بر اصل جایگاه اعتقادی امامت نزد شیعیان و عقاید ایرانیان باستان در مورد حکام تاکید شده است. به‌واقع اهمیت امامان و حکام ایران باستان در نزد پیروانشان به‌همراه اعتقاد به آسمانی بودن ولایت آن‌ها و حق رهبری‌شان بر اساس اصل وراثت و خون، محور تحلیل‌ها قرار گرفته است. این نویسندگان معتقدند ایرانیان پس از پذیرش اسلام باورهای دیرینه خود مبنی بر رابطه عبد و مولی و نگاه تقدس‌آمیز به‌همراه سرسپردگی به شاهان را بر علی و فرزندان وی منطبق کردند. داستان ازدواج حضرت حسین با یکی از شاهزادگان ایرانی نیز دست‌آویزی برای این عده شده است. (وائلی، همان: ص ۶۴-۷۱؛ آقانوری، همان: ص ۱۴۱ به نقل از قفاری، ناصر بن عبدالله، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه) در همین چارچوب کسانی چون احمد امین مسئله اعتقاد شیعیان به حضرت امیر و فرزندان ایشان را بازتولید موضوع فره‌ایزدی در نزد ایرانیان باستان دانسته‌اند. (امین، ۱۳۸۰: ص ۱۱۱) کسانی همچون ابوزهره و دکتر حسن ابراهیم نیز به نوعی قائل به همین نظر شده‌اند. فارغ از تناقض درونی گسترده گزارش‌هایی که مبنای چنین تحلیلی‌هایست و فارغ از جهت‌گیری فکری و فرقه‌ای صاحبان این تحلیل‌ها و غیرعلمی بودن مباحث آن‌ها، در مجموع چنین می‌نماید که در این نظریه، نتایج و پیامدهای عقاید شیعه، در نقش اسباب و دلایل به حساب آمده است. عربی‌الاصل بودن تشیع موضوعی بدیهی



است و نیاز به اثبات آن در این مختصر نیست و با مطالعه سیر کلی تاریخ شکل‌گیری و تطور تشیع مشخص خواهد شد که بعد از شکل‌گیری تشیع نه تنها بیشتر شیعیان از مناطق عرب‌نشین بودند بلکه بسیاری از ایرانیان مذاهب غیرشیعی داشتند. حتی بیشتر پیشوایان فقهی و حدیثی اهل سنت از خطه ایران بودند و... از نقد این روایات عبور می‌کنیم چرا که موضوع پژوهش ما نیست و اساساً باور به امامت و حق‌الهی حضرت امیر و اولاد ایشان که همان پایه تشیع اعتقادی و وجه مشترک شیعیان است مقدم بر اسلام ایرانیان بوده است.

#### ۱۰. تشیع صفوی

پیوند شکل‌گیری تشیع با سیاست‌های پادشاهان صفوی محور یکی دیگر از نظریاتی است که توسط برخی منابع گزارش و سپس نقد شده است. این نظریه معتقد است پادشاهان صفوی به هوای سلطنت و با کمک عده‌ای از درویشان قیام کرده و سال‌های متمادی با خلفای آل‌عثمان و ازبک‌ها جنگیدند و پس از قدرت‌یابی عقاید درویشانه و غلوآمیز را در قالب تشیع به‌هم بافته و به‌صورت یک مذهب درآوردند. (خضری و همکاران، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۷ به نقل از طباطبایی، ظهور شیعه: ص ۱۳) بی‌شک این تحلیل خلاف بدیهیات تاریخیست و لذا بطلان آن محرز است. هرچند نمی‌توان نقش تاریخی صفویه به‌لحاظ رسمی کردن مذهب شیعه امامی و تغییرات بنیادین در ساختار دینی و حکومتی بر اساس آیین تشیع را در گسترش و تکامل هرچه بیشتر این مذهب نادیده انگاشت، اما این‌که صرفاً روی کار آمدن پادشاهان صفوی و استفاده آن‌ها از زور و اهرم فشار را عامل شکل‌گیری تشیع از جانب ایرانیان و گسترش آن در بین مسلمانان بدانیم چندان معقول به‌نظر نمی‌رسد. باید در نظر داشت ایرانی‌ها از همان قرون نخستین اسلامی به‌صورت مختصر و در گوشه و کنار کشورشان با آیین تشیع آشنایی پیدا کرده بودند و طی قرون متمادی این آشنایی عمق بیشتری یافت و محدوده جغرافیایی بیشتری را در بر گرفت؛ (مادلونگ، ۱۳۸۱: ص ۸۷) از این رو می‌توان به تعبیری گفت اگر در روح ایرانی اندیشه تشیع و ظرفیت قبول آن نبود، شاید صفویان هیچگاه موفق نمی‌شدند این آیین را گسترش داده و آن را رسمی کنند. (مطهری، همان: ج ۱۴، ص ۱۲۶) هرچند استفاده از اهرم زور و قدرت حاکمیت در تبلیغ و گسترش هر فکر و اندیشه‌ای را نیز نمی‌توان کم‌تاثیر شمرد.

## ۱۱. تطور تشیع در فرآیندی تدریجی

سرانجام آخرین و یازدهمین نظریه ظهور شیعه را (به عنوان فرقه‌ای با درون‌مایه کلامی خاص و ویژگی‌های اعتقادی معین) مربوط به اواخر سده نخست هجری می‌داند. عرفان عبدالحمید ضمن دفاع از این نظریه توضیح می‌دهد که تشیع به عنوان یک مذهب فکری و سیاسی تنها با ظهور «نظریه نص و تعیین» ساختاری متکامل و نهایی یافته است؛ از این رو اگر بخواهیم به شیعه به عنوان اصطلاحی برابر با نص و تعیین بنگریم می‌توانیم بگوییم: «ظهور دینی و فکری این فرقه به عنوان یک مذهب یا اندیشه معین در باب امامت و سیاست از پایان سده نخست هجرت متاخر بوده است.» (صابری، همان: ص ۲۶، به نقل از: عبدالحمید، دراسات فی الفرق و العقائد الاسلامیه: ص ۱۶ و ۱۷) عبدالحمید دلیل نظریه خود را گزارشی از ابن‌المرتضی می‌داند و معتقد است با آن‌که ابن‌المرتضی از رجال معتزله و منسوب به اهل بیت بوده و از پیشوایان زیدیه به شمار می‌رود، سرآغاز شکل‌گیری مذهب و اندیشه شیعه را پس از سپری شدن نخستین دوره از حیات اسلام می‌داند. عبدالحمید به نقل از ابن‌المرتضی می‌نویسد: «مذهب رافضه (شیعه امامی) پس از سپری شدن دوره نخست اسلام رخ نمود و قبل از آن از هیچ‌کدام از صحابه شنیده نشده که گفته باشد نص آشکار و متواتر درباره علی (مقصود خلافت آن حضرت) رسیده است.» وی در ادامه تصریح می‌کند: «اگر مدعی شوند که عمار و ابوذر و مقداد بن اسود از آن‌رو که به امامت علی عقیده داشتند سلف آنان هستند، در تکذیب این دعوی همین بسنده است که یادشدگان نه اظهار برائت از شیخین کردند و نه آن‌ها را ناسزا گفتند. مگر نه آن‌که عمار کارگزار عمر بن خطاب در کوفه و سلمان فارسی کارگزار او در مدائن بوده است؟!» (ابن‌المرتضی، طبقات المعزله، ۱۴۰۹: ص ۵) پس در مجموع می‌توان گفت تشیع سیر خود را از دلدادگی به علی (توسط برخی صحابه مشهور حضرت) در عصر حضور نبی مکرم اسلام آغاز کرد و در ادامه بر اثر حوادثی چون قتل عثمان، خلافت علی، قیام کربلا، نهضت توابین، ظهور کیسانیه و مختار و... چهارچوب‌های سیاسی، اعتقادی (به معنای علقه به علی و برخی اصول او و تقدم او در خلافت) و قومی (نه کلامی و فقهی) خاصی را پذیرفت. سپس در دوره گذار از اموی به عباسی که فرصت فعالیت‌های فکری و علمی برای امامان به‌ویژه حضرت باقر و حضرت صادق فراهم بود، چهارچوب‌های کلامی، عقیدتی و فقهی نیز به آن اضافه شد. در این باره می‌توان گفت اساساً اندیشه نص و وصایت در مورد حضرت امیر و طرح وجوب امامت و خلافت آن حضرت (آن هم با مبدئی ماورایی) توسط حضرت صادق و شاگردان ایشان به‌ویژه هشام ثوریزه و سپس تبیین شد. بدین‌گونه بود که مکتب

تشیع در پایان قرن اول هجری یا اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم نیمه اول قرن دوم هجری، به‌ویژه بعد از عصر حضرت صادق، تبدیل به مکتبی با همه عناصر و مشخصه‌های لازم برای ادامه حیات، تحول و پویایی شد. این مکتب که در این برهه می‌توان آن را با عنوان مکتب جعفری در معنی فقهی آن یاد کرد، در ادامه و پس از تکمیل همه جوانبش، به‌ویژه در بعد سیاسی، عنوان نهایی اثنی عشری به خود گرفت که ماهیتی سیاسی عقیدتی دارد.

در تعریفی خلاصه می‌توان گفت تشیع فرآیند تکمیل و تکامل خود را به‌مثابه یک فرقه از تشیع سیاسی آغاز کرد، سپس به تشیع کلامی و فقهی رسید و سرانجام در قرون سوم و چهارم ه.ق صورت‌بندی نهایی و کلاسیک خود را به‌صورت تشیع امامی (اثنی عشری) پیدا کرد.

در زمینه اختلاف تحلیل‌ها در باب شکل‌گیری تشیع نیز اگر از انگیزه‌های مذهبی و پیش‌فرض‌های فرقه‌ای گزارش‌گران که نوعاً همراه با بدبینی نسبت به فرقه‌ها و تلاش برای نفی اصالت و پایگاه مذهبی آنهاست صرف‌نظر کنیم سه عامل مهم دیگر هم سهیم هستند. اول اینکه در تحلیل‌ها به سیر تطور و فرآیند تکاملی عقاید شیعیان توجه کافی نمی‌شود دوم اینکه در برخی تحلیل‌ها جریان تفکر شیعی با اصطلاح تشیع به عنوان یک فرقه که کاربرد تاریخی دارد و حتی در برخی موارد با واژه شیعه در معنای لغوی آن خلط می‌شود و سوم اینکه تمایزی بین مراتب مختلف تشیع و انواع آن صورت نمی‌گیرد و نگاه یکسانی به گونه‌های فرقه‌ای تشیع وجود دارد. محمود صبحی معتقد است یکی از عوامل اختلاف فراوان پژوهش‌گران درباره تعریف و تاریخ پیدایش تشیع این است که ظهور فرقه‌های دیگر نوعاً مرتبط با حوادث معین تاریخی است که در آن حادثه اختلافی نیست (همانند خوارج یا قدریه) اما شکل‌گیری تشیع معلول چند عامل تاریخی است که هر کدام اثر خود را در تکمیل و رواج تشیع گذاشته‌اند و بیشتر کسانی که از زمان ظهور تشیع سخن گفته‌اند به این نکته و سیر تطور این مکتب توجه نکرده‌اند و در نتیجه هر یک بر بر حادثه یا زمانی خاص تکیه داشته و تحلیل خود را بر پایه آن استوار کرده‌اند.

نکته بسیاری مهمی که نباید آن را فراموش کنیم تبیین حب علی در میان پیروانش در همه مراحل تکاملی تشیع است؛ به واقع هرچند تشیع در یک سیر تطوری با طرفداری از خلافت علی آغاز شد و تا مرحله پیدایش رسمی در قالب یک فرقه نظام‌مند و کلاسیک اندک اندک روند تکامل خود را ادامه داد و در این مسیر هر یک از رخدادهای سیاسی و فکری تا عصر امام صادق به نوعی

در ویژگی‌های تشیع تاثیرگذار بودند اما این جریان هیچ‌گاه از اعتقاد به احقیت علی و افضلیت او و باور به ضرورت پیروی از وی، به‌عنوان یک حلقه واسطه، خالی نبود. (آقانوری، همان: ص ۱۳۶؛ نقل به مضمون)

### ظهور سیاسی تشیع

در تحلیلی نسبتاً رایج میان پژوهشگران و مورخان، ظهور سیاسی تشیع به بعد از ماجرای سقیفه و خلافت ابوبکر نسبت داده می‌شود اما با توجه به بیعت و همکاری حضرت امیر و اصحاب ایشان با خلفا (البته همکاری و اتحاد توأم با انتقاد) و نیز فقدان گزارشی دال بر فعالیت سیاسی خارج از گفتمان حاکمیت در عصر خلفای سه‌گانه، می‌توان گفت این نظر و تحلیل چندان محکم و مستدل نمی‌تواند باشد. در مقابل اما دسته‌بندی صریح مسلمانان بعد از قتل عثمان و تفرق و انشقاق گسترده در جامعه اسلامی و سپس خلافت حضرت امیر را می‌توان مبدئی اساسی و به‌لحاظ سندی قابل اثبات برای آغاز فعالیت‌های جدی شیعیان در عرصه سیاسی قلمداد کرد. البته این بدان معنا نیست که قبل از این اتفاق به هیچ وجه تشیع سیاسی یا حتی فکری وجود نداشته است. بی‌شک در ماجرای سقیفه رویکرد متفاوت هاشمیان در ترجیح و تقدم علی در مقابل قریش، از اختلاف نگاه جزئی ایشان حکایت دارد. (جعفریان، همان: ۲۰) از این رو این رویکرد که اصحاب برجسته‌ای همچون ابوذر، عمار، سلمان، مقداد و.. مدافع آن بودند، می‌تواند نقطه‌ای آغازین برای ایجاد گفتمانی متفاوت از گفتمان حاکم تلقی شود. حتی برخی این گرایش را نشان از نوعی تشیع معنوی خوانده‌اند. (فیاض، ۱۴۰۶: ص ۴۳) اما همان‌طور که پیش از این بیان شد و مستندات هم برای اثبات آن ارائه گردید، در این مرحله از تاریخ کاربرد واژه شیعه نمی‌توانسته معنایی فراتر از معنای لغوی آن (پیوستگان به علی و قائلان به حق تقدم او) داشته باشد.

ماجرای پیچیده سقیفه سهمی بسیار مهم در سیر تکامل تاریخ اسلام بعد از پیامبر داشته است از این‌رو شناخت دقیق آن می‌تواند به عنوان کلیدی برای فهم عمیق‌تر نحوه تشکیل و تکمیل دو جریان عمده جهان اسلام یعنی تشیع و تسنن مورد استفاده قرار گیرد. بی‌شک در سقیفه اختلاف بر سر توحید، نبوت، معاد و دیگر اختلافات پدید آمده در طی قرون نخستین اسلامی اعم از مباحث کلامی یا فقهی نبوده، بلکه اساس اختلافات صرفاً مسئله جانشینی حضرت رسول و تفسیرها و توجیهاات مختلف آن بوده و همین امر بعدها منشأ اصلی اختلافات در میان مسلمانان و ظهور دیدگاه‌های گوناگون درباره رهبری جامعه اسلامی بعد از نبی گرامی اسلام شده است. اختلافات

در سقیفه میان دو گروه مهاجر و انصار به وجود آمد و با بیعتی عجولانه پایان گرفت و قبای خلافت را بر قامت ابوبکر پوشاند. از سوی دیگر در خارج از سقیفه عده‌ای با محوریت علی در حال خاک‌سپاری رسول گرامی اسلام بودند که چون خبر خلافت ابوبکر به گوش ایشان رسید، رهبرشان علی ترجیح داد به جهت مصلحتی بزرگتر که سال‌ها با رسول مکرم اسلام برای برپایی آن تلاش کرده بود، سکوت کند و بدین طریق مانع نابودی نهال نوپای اسلام زیر چرخ اختلافات سیاسی شود.

این جریان‌ها بعدها منشأ تحولاتی بزرگ در جامعه اسلامی شدند و به تبع نظریات آنان، آراء گوناگونی پیرامون رهبری جامعه اسلامی در طی قرون نخستین به وجود آمد. دو جریان عمده پشتیبان فکری و عملی این نظریات شدند؛ یکی اهل سنت بود که بعدها به چهارچوب‌بندی و توجیه عقلانی و شرعی نظریاتی پرداخت که قبلاً مدل آن را در یک فرآیند طبیعی تجربه کرده بود و از این طریق درصدد مشروعیت‌بخشی به آن نظریات و نظام‌های سیاسی برآمد. در این بین نظریه‌های مختلفی از استخلاف و زور و غلبه گرفته تا ولایت اهل حل و عقد و اجماع و در دوره‌های متاخر شورا، توسط عالمان اهل سنت تدوین و اجرا شد. (حلی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۱-۱۷۹؛ فیرحی، ۱۳۸۹: ص ۹۷-۷۹؛ همو، فصل‌نامه حکومت اسلامی، ۱۳۷۵؛ قادری، ۱۳۸۶: فصل اول) دیگری شیعه بود که با طرح اصل امامت و خلافتی که حق امام نصب شده از سوی رسول اکرم و خداوند است، درصدد استیفای حقوق خود برآمد. این جریان بعدها

اما روایت‌های تاریخی و حدیثی که در دو بخش ظهور اعتقادی تشیع و ظهور سیاسی تشیع از آن‌ها یاد کردیم، هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعی بسیار به کار گرفته شده و حتی سند برخی از آن‌ها به تواتری بسیار دامنه‌دار رسیده است. با وجود این نه می‌توان همه آن‌ها را به طور مطلق رد کرد و نه می‌توان همه را مورد پذیرش قرار داد، البته این بدیهی است که هیچ‌کدام از این رخدادها و عوامل به‌طور مستقل نقطه آغازین حیات تشیع در ابعاد گوناگون سیاسی-عقیدتی یا کلامی و فقهی نمی‌توانند باشند.

در همین چهارچوب هرچند روایت‌های انشعاب دسته‌ای از مردم پس از سقیفه و بیعت با ابوبکر تردیدناپذیر هستند. اما نباید این انشعاب را انشعابی جدی و رادیکال یا حتی به تعبیری سیاسی در میان جامعه مسلمانان تلقی کرد. با توجه به اخبار منابع، دسته‌بندی جدی میان مسلمانان بعد از واقعه قتل عثمان و درخواست متهمان به قتل از حضرت امیر برای کسب خلافت صورت

گرفت. در ادامه نیز وقایعی همچون نبرد جمل و صفین، شهادت حضرت امیر و قیام و شهادت حضرت حسین بر جامعه شیعی به‌طور خاص و عامه مسلمانان به‌صورت عام تاثیر فراوان نهاد و موجبات انشقاق گروه‌ها را بیش از پیش فراهم کرد. بعد از قتل عثمان، گروه متهم به قتل دور علی حلقه زده و با اصرار به ایشان برای به دست گرفتن خلافت (علی‌رغم میل باطنی حضرت) مسبب اصلی قدرت‌یابی حضرت امیر شدند. فیاض در این‌باره بیان کرده است: «تشیع سیاسی زمانی به نهایت اقتدار خود رسید که پس از قتل عثمان با علی بیعت شد.» (فیاض، همان: ص ۴۵-۳۸) از این رو طبعاً وجود ارادتمندانی به حضرت امیر (عده‌ای قلیل از شیعیان فکری) پیش از این واقعه (قتل عثمان) نیز دور از تصور نیست و تا حدودی یقینی است. این عده نیز به آن گروه کثیرِ نوظهور پیوستند و جماعتی قدرت‌مند (شیعیان علی) برای آغاز فعالیت‌های سیاسی ایجاد شد. در دوره خلافت آن حضرت در اثر فعالیت‌های جدی این گروه تبیین مواضع ایشان در باب امامت که از همان عصر خلافت ابوبکر کمابیش مطرح بود مورد اهتمام بیشتر اصحاب و خود حضرت قرار گرفت.<sup>۷</sup>

خلاصه آن‌که باید توجه داشت که نمی‌توان هیچ‌یک از این رخدادها و عوامل را به تنهایی نقطه آغازین حیات شیعه در همه ابعاد سیاسی، عقیدتی، کلامی یا فقهی قلمداد کرد. اگر بخواهیم شکل‌گیری تشیع در قالبی منسجم و با ساختار کلامی و اعتقادی معین را تبیین کنیم، توجه به رویدادهای اواخر قرن نخست اسلامی و نیمه اول قرن دوم و شخصیت‌هایی که در این دوره‌ها حضور داشته‌اند، بر ما روشن خواهد کرد که در همین سال‌ها بود که سیر تکامل شیعه (در معنای اصطلاحی) آغازیدن گرفت و به مرور زمان در طی یک فرآیند پیچیده و بسیار ظریف تا قرن چهارم همه جوانب آن ساخته و پرداخته شد.

### نتیجه‌گیری

در نظریه‌های مطرح شده درباره پیدایش تشیع، از برخی نظریات آمیخته با حب و بغض سیاسی و عقیدتی یا پیش‌فرض‌های فرقه‌ای که صرف‌نظر کنیم، موارد زیر در تحلیل‌ها به چشم می‌خورد: ۱. بی‌توجهی به سیر تطور و فرآیند تکاملی عقاید شیعه و تمیز فرق مختلف شیعی؛ ۲. خلط معنای لغوی و اصطلاحی واژه تشیع و ۳. خلط جریان تفکر شیعی با معنای اصطلاحی فرقه که کاربرد تاریخی دارد. همین اشتباهات روشی سبب اختلافات فراوان در تحلیل شکل‌گیری این فرقه شده است.

اما در تبیین مسئله پیدایش تشیع باید به این نکته توجه داشت که هر یک از پدیده‌هایی که در بستر جامعه و تاریخ شکل می‌گیرند و در مسیر تحول و گسترش گام برمی‌دارند، در حرکت تکاملی خود نوعی فرآیند تدریجی را طی می‌کنند و منطق درونی‌شان پیوستگی و آهستگی در مسیر ضرورت است. و با توجه به این اصل می‌توان بیان داشت تشیع سیر خود را از دلدادگی به علی (توسط برخی صحابه مشهور حضرت) در عصر حضور نبی مکرم اسلام آغاز کرد و در ادامه بر اثر حوادثی چون قتل عثمان، خلافت علی، قیام کربلا، نهضت توابین، ظهور کیسانیه و مختار و... چهارچوب‌های سیاسی، اعتقادی (به معنای علقه به علی و برخی اصول او) و قومی (نه فقهی و کلامی) خاصی را پذیرفت. سپس در دوره گذار از اموی به عباسی که فرصت فعالیت‌های فکری و علمی برای امامان به‌ویژه حضرت باقر و حضرت صادق فراهم بود، چهارچوب‌های کلامی، عقیدتی و فقهی نیز به آن اضافه شد. بدین‌گونه بود که مکتب تشیع (اثنی‌عشری) در پایان قرن اول هجری یا اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم نیمه اول قرن دوم هجری، به‌ویژه بعد از عصر حضرت صادق، تبدیل به مکتبی با همه عناصر و مشخصه‌های لازم برای ادامه حیات، تحول و پویایی شد و بدین ترتیب سیر خود در طی طریق رشد و تکامل را ادامه داد. به بیانی دیگر در واقع تشیع فرآیند تکمیل و تکامل خود را به‌مثابه یک فرقه از تشیع سیاسی آغاز کرد، سپس به تشیع کلامی و فقهی رسید و سرانجام در قرون سوم و چهارم ه.ق صورت‌بندی نهایی و کلاسیک خود را به‌صورت تشیع امامی (اثنی‌عشری) پیدا کرد.

در مجموع اگر بخواهیم در قالب نظریه‌ای علمی و تاریخی و به دور از تعصبات کلامی، نحوه شکل‌گیری و سیر تطور مکتب تشیع را بیان کنیم، نظریه یازدهم با روایات و اخبار تاریخی

همخوانی بیشتری دارد و در این باره می توان مستندات و ادله فراوان تاریخی از منابع نخستین ارائه کرد.

درباره تشیع سیاسی نیز همان طور که گذشت می توان با توجه به دسته بندی صریح مسلمانان بعد از قتل عثمان و تفرق و انشقاق گسترده در جامعه اسلامی، این رخداد را به عنوان مبدئی اساسی و به لحاظ سندی قابل اثبات برای آغاز فعالیت های جدی شیعیان در عرصه سیاسی قلمداد کرد.



### پی‌نوشت‌ها

۱. برخی چون احمد امین مصری در ضحی الاسلام از اصلاح «حزب» برای تشیع استفاده کرده‌اند؛ بنگرید به کتاب مذکور ج ۳ ص ۲۰۹
۲. از آن جمله می‌توان به آیات ۱۵ سوره قصص و ۸۳ سوره صافات (در معنای پیرو) و نیز آیات ۶۹ سوره مریم، ۶۵ و ۱۵۹ سوره انعام، ۴ سوره قصص، ۳۲ سوره روم، ۱۰ سوره حجر، ۵۱ سوره قمر، ۵۴ سوره سبأ و ۱۹ سوره نور اشاره کرد.
۳. رسول جعفریان در مقاله گزیده کتاب شناسی فرق اسلامی در مجله آئینه پژوهش (سال ۶۹ شماره ۲) بیان داشته است جاحظ در کتاب العثمانیه خود با تکیه بر فضایل عثمان و شیخین سعی در برتری دادن آن‌ها بر حضرت امیر داشته است، جعفریان ادامه می‌دهد جاحظ معتزلی و عقل‌گراست و این صنف معمولاً علی را بر دیگر صحابه به‌ویژه عثمان ترجیح می‌دهند اما در این موضع او سعی بر برتری دادن خلفای ثلاث به‌ویژه عثمان بر علی کرده است. جعفریان معتقد است او از معتزله بصره است که متمایل به عثمانند برخلاف معتزله بغداد که به علی تمایل دارند. اما این سخن مورد مناقشه بسیار است و برخی معتقدند که هر چند «جاحظ در باره تفضیل ابوبکر بر علی کتاب «العثمانیه» را نوشت و در آن به ذکر دلایلی در این‌باره پرداخت و در نتیجه حتی متهم به عثمانی بودن شد ولی خود او در کتاب الحیوان (ج ۱، ص ۱۱) این اتهام را رد کرده و نوشته است من قائل به قول عثمانیه (یعنی قول به تفضیل ابوبکر بر علی) نیستم، بلکه فقط ناقل اقوال آن‌ها هستم. کسانی همچون ابو جعفر محمد بن عبدالله اسکافی، از طبقه هفتم معتزله با نگارش کتاب «النقض علی العثمانیه» و جمال الدین احمد بن موسی بن طاووس با نگارش «بناء المقالة الفاطمیه فی نقض الرسالة العثمانیه» تلاش دارند ادله جاحظ در این‌باره را رد کنند. مدخل جاحظ (به نقل از: Encyclopaedia of Islam)
۴. کسانی همچون سید محمد باقر صدر در «نشاه التشیع و الشیعیه» متعرض این سخن شده‌اند. ایشان ضمن این‌که تشیع را زاده اسلام دانسته‌اند یادآوری می‌کنند که در اسلام دین و سیاست از هم جدا نیست.
۵. روایاتی در زمینه به‌کارگیری واژه تشیع توسط خود پیامبر اکرم در منابع گزارش شده است که مضمون بسیاری از آنان این‌گونه بیان شده که حضرت رسول چهار تن از صحابه را (سلمان، ابوذر، مقداد، عمار) با عنوان شیعه علی یاد کرده است و کثرت این استعمال به حدی شده بود که این واژه به صورت لقبی برای آنان درآمده بود. به همین جهت است که شیعیان این چهار تن را «ارکان

اربعه» نامیده‌اند (نوبختی، همان، ص ۱۸؛ مفید، الاختصاص، ص ۶؛ طوسی، رجال، صص ۳۶، ۴۳، ۴۶، ۵۷ و...؛ حلی، رجال، ص ۸۴ و..؛ الرازی، الشیخ ابی حاتم، کتاب الزینه فی الکلمات العربیه الاسلامیه؛ به نقل از منظور الاجداد، سیدمحمد حسین، مقاله «پیشینه تشیع و تطور آن در نخستین سده‌های اسلامی» مجله تحقیقات اسلامی، شماره ۱ بهار و تابستان ۸۱؛ نقل شده است پیامبر در هنگام نزول آیه ۷سوره بینه: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» خطاب به علی فرمود: «خیر البریه» تو و شیعیان هستید. برای آگاهی از آیات و احادیث درباره حضرت امیر و شیعیان ایشان نک: حلی، نهج الحق و کشف الصدق؛ مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق لنهج الحق؛ آیاتی مانند آیه ولایت (مائه ۵۵) آیه صادقین (توبه ۱۱۹) آیه اکمال دین (مائه ۳) آیه اولی الامر (نساء ۵۹) آیه ذوی القربی (شوری ۲۳)، آیه ۷سوره فاتحه و آیات دیگری که جای طرح و شرح آنان در این مجال نیست، همچنین برای احادیثی در این باب نک: حسینی فیروزآبادی، مرتضی، فضائل الخمسه من صحاح السنه؛ مرعشی تستری، شرح احقاق الحق؛ صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۹، ج ۲، پانویس ص ۱۹؛ روایاتی همچون حدیث یوم الدار، حدیث سد الابواب، حدیث لا فتی الا علی (در احد)، حدیث ضربه علی در خندق، حدیث طبر، حدیث رایت (غزوه خیبر)، حدیث منزلت (غزوه تبوک)، حدیث نجوا، حدیث خاصف النعل (غزوه طائف)، حدیث نفس (در اعلام سوره براءت)، حدیث غدیر، حدیث ولایت، حدیث ثقلین، فضیلت لیله المبیت، عقد اخوت و... و منابعی که این احادیث را تفسیر کرده‌اند؛ ابن صباغ، نورالدین علی بن محمد، فصول المهمه فی المعرفه الائمه؛ الجویباری، رستگار، تفسیر البصائر؛ خطب خوارزم، المناقب؛ مغربی، قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار؛ الکوفی، فرات ابن ابراهیم، تفسیر؛ ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، صفات الشیعه و فضائل الشیعه و... بیشتر این احادیث به زعم عالمان شیعی دللی بر شایستگی مقام امامت و ولایت علی بعد از پیامبر و همچنین به زعم برخی محققان مصادیقی برای اثبات وجود تشیع در دوره حضور پیامبر است. به نظر نگارنده می‌توان این احادیث را در باب فضیلت، برتری و تقدم علی و اهل بیتش پذیرفت اما تعمیم آنان به وجود تشیع (در معنی اصطلاحی این لفظ) در عصر نبوت نبی مکرم اسلام چندان منطبق با واقع، دقیق و علمی نیست و به نظر برداشتی خلاف شواهد و قرائن نقل شده در منابع تاریخی است. می‌توان گفت این تفاسیر با توسیع ظرف زمانی در تحولات بعدی (در نگرش شیعیان به این فرقه به دلایلی همچون حب شدید) به روزگار حضور حضرت رسول نسبت داده شده‌اند.

۶. افرادی همچون عمرو بن حمق خزاعی، عدم بن حاتم طایی، میثم تمار، حجر بن عدی، و... را می‌توان جز این گروه قلمداد کرد چرا که اینان بعدها مورد اذیت و آزار معاویه قرار گرفتند و آن‌گونه که به نظر می‌رسد این اذیت و آزار به سبب پیروی فکری آنان از علی بوده است. لذا می‌توان آن‌ها را از شیعیان خاص حضرت امیر (به معنای وابستگان یا طرفداران ویژه ایشان) محسوب کرد. در مورد این افراد نک: یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ابن کثیر، همان، ج ۸، ص ۵۵

۷. مواردی همچون اعتراض عمار و عبدالرحمن عوف به انتخاب ابوبکر، شعارها و رجزهای که از سوی سپاهیان علی در حمایت و وصایت ایشان بعد از حضرت رسول خوانده می‌شد، واژه ولی‌الله به عنوان لقب امام بر روی سکه‌های ضرب شده از سوی والی ایشان (یزید بن قیس) در ری، تاکید خود حضرت بر وصایت ایشان در نامه‌ها و خطبه‌های مختلف (مانند خطبه مخزومه)، بیعت مالک اشتر با حضرت امیر و آوردن نام وصی برای حضرت از جانب مالک و....

**منابع و مأخذ**

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، ۱۴۰۷ق، الکامل فی التاریخ، تحقیق عبدالله قاضی، بیروت: دارالکتب العلمیه
۳. ابن طاوس، علی بن موسی، ۱۳۸۳ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه محمد اسکندری، تهران: صیام
۴. ابن الکثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷ق، البدايه و النهايه، بیروت: دارالفکر
۵. ابن المرتضی، احمد بن یحیی، ۱۴۰۹ق، طبقات المعتزله، سوسنه دیفلدفلرز، بیروت: دارالمنتظر
۶. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۱۲ق، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالکتب العلمیه
۷. ابن حزم، علی بن احمد اندلسی، بی تا، الفصل فی الملل و الاهواء والنحل، بیروت: دارالکتب العلمیه
۸. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸ق، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر
۹. ابن مزاحم المنقری، نصر، ۱۴۰۴ق، وقعه الصفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، القاهره: موسسه العربیه الحدیثه، طبع الثانیه
۱۰. ابن منظور الافریقی المصری، جمال الدین محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، بی جا: ادب حوزه
۱۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۸۱ش، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران: اساطیر
۱۲. اخطب خوارزم، موفق بن محمد، ۱۴۱۸ق، مقتل الحسین، قم: انوارالمهدی
۱۳. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، ۱۳۶۱ش، المقالات و الفرق، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۴. اشعری قمی، همان، ۱۳۸۷ش، ترجمه دکتر یوسف فضایی، تهران: آشیانه کتاب
۱۵. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، ۱۳۸۹ق، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، به تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره: مکتبه النهضه المصریه

۱۶. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، بی‌تا، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دارالفکر
۱۷. امین، احمد، ۱۹۵۶م، ضحی الاسلام، قاهره: مکتبه النهضه المصریه
۱۸. امین، احمد، ۱۳۸۰ق، فجرالاسلام، قاهره: مکتبه النهضه المصریه
۱۹. امین، سید محسن، ۴۰۳ق، اعیان الشیعہ، بی‌جا: دارالتعارف للمطبوعات
۲۰. آقانوری، علی، ۱۳۸۶ش، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲۱. آل‌کاشف الغطاء، محمدحسین، ۴۱۴ق، اصل الشیعہ و اصولها، قم: موسسه الامام علی
۲۲. بدوی، عبدالرحمن، ۱۳۸۹ش، تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس
۲۳. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر تمیمی، بی‌تا، الفرق بین الفرق، به تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره: مکتبه محمد صبیح و اولاده
۲۴. جعفری، سید محمد حسین، ۱۳۸۸ش، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی
۲۵. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸ش، تاریخ تشیع در ایران، تهران: علم
۲۶. حتی، فیلیپ، بی‌تا، تاریخ عرب قبل از اسلام، ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه
۲۷. حسن ابراهیم حسن، ۱۳۸۸ش، تاریخ سیاسی اسلام، ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه جاویدان
۲۸. حلبی، علی اصغر، ۱۳۸۸ش، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، تهران: اساطیر
۲۹. خضری و همکاران، احمد، ۱۳۸۶ش، تاریخ تشیع، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۰. دهخدا، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران
۳۱. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن احمد، بی‌تا، ملل و نحل، قاهره: دارالمعرفه
۳۲. شبیبی، کامل مصطفی، بی‌تا، الصله بین التصوف و التشیع، قاهره: دارالمعارف
۳۳. صابری، حسین، ۱۳۸۹ش، تاریخ فرق اسلامی، تهران: سمت
۳۴. صدر، سید محمد باقر، ۴۱۴ق، نشاه التشیع و الشیعہ، بی‌جا: موسسه الغدیر للدراسات الاسلامیه
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۸۹ش، شیعه در اسلام، قم: بوستان کتاب

۳۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث
۳۷. فیاض، عبدالله، ۱۴۰۶ق، تاریخ الامامیه و اسلافهم منذ النشاه التشیع حتی مطلع القرن الرابع الهجری، بیروت: موسسه الاعلمی
۳۸. فیرحی، داود، ۱۳۸۹ش، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت
۳۹. قادری، حاتم، ۱۳۸۶ش، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت
۴۰. کرون، پاتریشیا، ۱۳۸۹ش، تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، ترجمه مسعود جعفری، تهران: سخن
۴۱. گلدزیه، ایگناتس، بی تا، العقیده و الشریعه فی الاسلام، ترجمه به عربی، محمد یوسف موسی و همکاران، مصر: دارالکتب الحدیثه
۴۲. لمبتون، آن کی اس، ۱۳۸۹، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق، دکتر محمد مهدی فقیهی، تهران: انتشارت شفیعی،
۴۳. لويس، برنارد، ۱۳۶۲، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه بدره‌ای، تهران: توس
۴۴. مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۸۱، فرقه های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر
۴۵. مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۸۷، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: آستان قدس
۴۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانور، بیروت: دار احیاء تراث العربی
۴۷. مدرسی طباطبایی، سید حسین، ۱۳۸۹، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه، تهران: کویر
۴۸. مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی، بی تا، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: منشورات دارالمکتبه الحیاه
۴۹. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره
۵۰. مشکور، محمد جواد، ۱۳۸۶ش، تاریخ شیعه و فرقه‌های آن تا قرن چهارم، تهران: اشراقی
۵۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: صدرا
۵۲. مظفر، محمد حسین، ۱۹۸۵م، تاریخ الشیعه، بیروت: دارالزهرا

۵۳. معروف حسنی، هاشم، ۱۳۶۹ش، تشیع و تصوف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس
۵۴. معلوف، لوئیس، بی تا، المنجد الابدی، بی جا
۵۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، بی جا: المؤتمر العالمی للشیخ المفید
۵۶. مقدسی، مطهر بن طاهر، بی تا، البدء والتاریخ، بی جا: مکتبه الثقافه الدینیة
۵۷. ملطی شافعی، محمد بن احمد، ۱۳۸۸ق، التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع، محمد زاهد الکوثری، بیروت: مکتبه المعارف
۵۸. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس، ۱۴۰۸، رجال، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت: دارالاضواء
۵۹. نویختی، حسن بن موسی، بی تا فرق الشیعه، بی جا: دارالاضواء
۶۰. وائلی، احمد، ۱۴۱۴ق، هویه الشیعه، بیروت: دارالصفوه
۶۱. ولهاوزن، یولیوس، ۱۳۷۵، تاریخ سیاسی صدر اسلام: شیعه و خوارج، ترجمه، محمد رضا افتخارزاده، قم: دفتر نشر معارف اسلامی،
۶۲. یعقوبی، احمد بن محمد بن واضح یعقوبی، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر
- مقالات
۶۳. فیرحی، داود، ۱۳۷۵، مبانی اندیشه‌های سیاسی اهل سنت، فصل‌نامه حکومت اسلامی، شماره ۲
۶۴. منظور الاجداد، سیدمحمد حسین، ۱۳۸۱، «پیشینه تشیع ..» مجله تحقیقات اسلامی، شماره ۱